

# محاكمه يهود بانصارا و اسلام

## در محكمه عدل الاهي

فرشته‌ها همه صف كشيده بالهای خود را باطراف گسترده ملت يهود و نصارا و اسلام همه در جای خود با حالت خضوع و خشوع ايستاده ساير ملل از دوراين صحنه را تماشا می کنند...»  
 چه خيبر است؟ - اين آمد و شد زياد برای چيست؟ -  
 لوح و قلم چرا در حرکت هستند؟ عرش الاهي چرا امروز وضع غير عادي دارد؟ - خدايا از كه بايد پرسيد؟  
 اين شخص كه اين سئوالات را از خود می كند مخبر آسماني روزنامه‌های زميني است كه اخيار آسمان را بزمين می نرستد!  
 امروز غير از روزهای ديگر است مگر در زمين چه اتفاقي افتاده كه همه در اينجا جمع شده‌اند؟ آن ميز بزرگ برای چيست؟ آن بيرق باينچه‌های خونين از كيست؟  
 البته آن بيرق صليب می دانم از ملت نصارا است. آن بيرق سفيدم كه صورت كعبه در آن منقوش است متعلق باسلام است. ولي آن صندلی سرخ كه در طرف راست ميز نهاده شده نمی دانم از كيست؟ -



اي كاش جبرئيل را می‌ديدم و از او اين پرسش‌ها را می‌كردم!  
 در آنوقت جبرئيل با كيف سرخ رنگ زير پيل از جلو او عبور كرد، چون فرشته‌ی مقرب درگاه الاهي مخصوصا جبرئيل و ميكاائيل و اسرافيل و عزرائيل هريك نشانهای ممتاز و حمايل مخصوصی دارند كه از ديگر فرشتگان امتياز دارند زود شناخته میشوند و درمیان اين چهار فرشته جبرئيل از همه مقربتر است زيرا او واسطه نزول وحی از طرف خداوند بسوي پيغمبران است!  
 مخبر فوراً او را شناخت و دامن او را بگرفت و گفت:  
 اي جبرئيل! دستم بدانست امروز اينجا چه خيبر است؟ سالها می‌گذرد كه من نشنیده و ندیده‌ام كه در زير عرش خداوند و پاي كرسي او اين دستگاه و اين از دحام باشد تو را بخدا قسم می‌دهم من باز گو چه خيبر است؟ و اين ميز و صندلیها و بيرقها و اين مامورين رحمت و غضب كه در چپ و راست ميز ايستاده‌اند برای چيست؟

جبرئيل پرسيد: كارت ورود باين مكان داری؟ مخبر فوری كارتی كه با مضای عزرائيل بود

(\*) آقای سناتور حبيب‌الله آموزگار در سال ۱۳۶۹ (ه. ش. ۱). در هديه اصطهبانات فارس متولد شده، تحصیلات خود را در شیراز نموده سپس بطهران آمده بدو وزارت فرهنگ و مطبوعات کشور مشغول سپس وارد وزارت دادگستری گردیده. سالها مستشار ديوان عالی کشور بوده. رياست بانك عمران منصوب و بوزارت فرهنگ نايلو اکنون نيز مدنيت سناتور ميباشند - تالیفات متعدد دارند كه آخرين آنها كه بچاپ رسیده (فرهنگ آموزگار) است چون شرت حال ایشان را سابق در مجله آینده. بطبع رسانیده ايم (دوره سوم صفحه ۵۳۲) در اينجا بهمين قدر اکتفا ميشود. ایشان اکنون مانند گذشته از نویسندگان «آينده» و جزو موسسان و شريکان دوره چهارم اين مجله ميباشند.

ارائه دادو گفت : من در دنیا باین شرط حاضر شدم عزرائیل روح مرا بگیرد که در این جهان هم بشغل مخبری خود ادامه دم !!

جبرئیل که از صحت امضاء مطمئن شد گفت :

آن صدلیهای طرف راست متعلق بمخبرین روزنامه است ، و صدلی سرخ رنگ متعلق بدادستان است که من هستم و آن صدلی مقابل مین بزرگ ، آنکه در طرف راست است متعلق بوکیل مدعی است و آن دو صدلی دیگر متعلق بوکیل دودسته مدعی علیه است ! آن غرفه های سمت راست متعلق به ملت های خداپرست و غرفه های سمت چپ مخصوص ملت های بت پرست و مشرک و کفار و بی دینان است که برای تماشا آمده اند ! البته نگاه کن بین کسارت های غرفه سمت راست همه سفید و از غرفه های سمت چپ همه سیاه است !

مخبر : دعوی چیست؟ مدعی کیست؟ دودسته مدعی علیه کیانند ؟

**جبرئیل : موضوع دعوی حکومت مستقل بنی اسرائیل است در کشور فلسطین ! مدعی ملت یهود و طرف دعوی دولت نصارا و اسلام هستند !!**

و کیل ملت یهود استقلال قوم خود و استملاک قسمتی از فلسطین را می خواهد . آن دولت فلسطین را هر کدام حق خود می دانند !

مخبر : شما چه سمتی دارید ؟

جبرئیل : من از طرف خداوند بعنوان ناظر و نگاهبان حقوق بندگان خدا و طرفداری از حق در اینجا دادستان هستم و باید در دعوی مدعی و دفاع طرف های دعوی خوب وقت کرده هر چه نزدیک بحقیقت است بر طبق آن اظهار عقیده کنم . پس از ختم مذاکرات دوطرف و استماع عقیده من حکم نهائی و قطعی از محکمه عدل الهی صادر شود .

مخبر : دعوی ملت یهود را ممکن است شرح دهید ؟ جبرئیل : چند دقیقه تأمل کن در محکمه

خوانده میشود .

در این وقت زنک محکمه بصدا درآمد و بدرجه ای صدای این زنک مهیب بود که عرش خدا پلرزه درآمد و همه فرشتگان متوحش شدند ! اطراف صدلی بزرگ و مین جلو آن نورزادی فرا گرفت - هر کسی بجای خود نشست یا ایستاده چشمها همه خیره شد ، و کیل ملت یهود کمی عصبانی بنظر میرسید .

و کیل ملت نصاری چون موکلش پیغمبر رحمت بوده و همه آزار و اذیت های ملت یهود را نسبت بخود فراموش کرده بسیار بشاش و باچهره نورانی بطرف صدلی نورنگاه می کرد .

و کیل ملت اسلام خیلی جدی و استوار مشغول خواندن لوائح و مطالعه کتب آسمانی است و در همان حال تمام توجهش به کرسی نور است .

### عرض حال بنی اسرائیل

میگائیل منشی محکمه عرض حال را می خواند :

من بنده گنهگار و کیل ملت یهود که پیغمبر ما هم سخن خداوند (کلیه الله) و در عین حال که لن ترانی شنیده مورده و مرحمت واقع شده است بسیار متأثر است که در تمام این دوره پنج هزار ساله که از شریعت یگانه پرستی و دین حق او می گذرد قوم یهود مغلوب ملت نصاری و اسلام شده و آنها را بانواع واقسام آسیب و زجر و سرگردانی مبتلا ساخته اند!

تنها در این میان ممتون کورش بزرگ شاهنشاه ایران و قوم اوپارسها و ایرانیها هستیم که پس از خرابی و آتش زدن فلسطین بدست پادشاهان آشور و بابل و اسارت بنی اسرائیل و بغارت بردن

صندوق عهد، این پادشاه نوع دوست و بزرگ منش پسر از فتح ممالک غربی آسیا قوم یهود را آزاد کرد و آنان را با صندوق عهد بفرستید بازگردانید! و گرنه ملل اروپائی مخصوصا اسپانیولیها و اخیراً آلمانهای نژادی کاری با قوم بنی اسرائیل کردند که از پیشگاه عدل الاهی مجازات آنها را خواستیم!

هر چند در صدر اسلام مسلمانی با یهود جنگها کرده و خیلی صدمه زدند و کشتند و اسیر گرفتند ولی همینکه مسلمان شدند یا جزیه دادند آنانرا مانند خود آزاد و مختار گذاردند! لیکن این دو ملت هم کشتی و نو کیش علاوه بر همه آن آزارها و محرومیتها قوم یهود را از خانه خود از شهر مقدس دور کرده و حتی در پشت «دیوار نده» اجازه ندادند که به آزادی بحال خود گریه کنند و از خداوند نجات قوم خود را بخواهند!

اخیراً که صبر ملت یهود تمام شد و قوه تحمل و بردباری از آنان سلب گردیده دست بشمشیر علم و پول و هنر زده و با این سه اسلحه برنده حمله کرده و این گروه کوچک و اندک را مخالفین خود پیروز شده و بیخانه اصلی خود وارد گردید!

ولی آنان هنوز دست از ستیز و جنگ برنداشته اند هر چند ملت نصاری بواسطه کومکهای امریکا و ایالت و توصیه های اکیدهم کیشان متنفذ و مقتدر مادر امریکا و انگلیس دست از مخالفت برداشته اند، لیکن پاپ اعظم در باطن راضی نیست!

ملت اسلام هم که در اطراف خانه اصلی یهود اکثریت دارند دست از آزار و کشتار بر نمی دارند تا چار ملت یهود هم بانها حمله کرد و آنچه توانست از آنها کشت یا اسیر کرد! باوصف این حال که قدرت یهود را نداشته اند بیشتر متوحش شده و از اطراف برضد این ملت دمیسه و تحریک می کنند! بنا بر این نظر بانک سبقت بدین خدا پرستی با ما بوده و اولین احکام خداوند را پیغمبر یهود به بندگان خدا ابلاغ کرده است از پیشگاه عدل خداوندی در خواست دارم که ملت نصاری و اسلام دست از ضدیت با ما برداشته تا هر سه برادروار پرستشگاه خداوند را اداره کنیم چون هر سه در آن شریک و سهیم هستیم و قوم منم پس از هزاران سال به آرزو و آرمان خود رسیده باشد!

در این صورت قول میدهم که موکلین من دست از مقاومت و زد و خورد و دمیسه و آتاریک بردارند و دعوت بهم خوردن امنیت دنیا نشوند و آتش جنگ را هم دامن نزنند و جنگ سوم هم برپا نکنند!

در این جا ادعای ما و کلیل ملت یهود که به تسلیم شدن بیشتر شیبیه بود خانه یافت و دفاع دو و کلیل ملت نصاری و اسلام چون خیلی مفصل بود خواننده شد و خلاصه هر دو دفاع ضمن حکم ذکر خواهد شد

پس از اظهار عقیده دادستان «دایر بر تسلیم بصلح بشرط عدم تجاوز بزمن و خانه مسلمانان و اطمینان دادن یهود که بنی اسرائیل در آینده باعث زحمت مسلمین نشوند و گرنه حق دارند با آنان جنگ کنند و چون اکثریت دارند یهود را نیست و نابود نمایند.» ختم محاکمه اعلام شد!

در این موقع سکوت همه جا را فرا گرفت و همه منتظر استماع حکم هستند و اسرافیل مامور ابلاغ حکم الاهی و عزرائیل مامور اجرا حکم، هر دو منتظر ایستاده اند، آنگاه میکائیل حکم داد که عدل خداوند را بدین شرح با صدای رسا و محکم خواند:

حکم داد گاه عدل خداوند

در موضوع دعوی ملت یهود بنمایندگی از طرف ۱۲ ملیون پیروان خود بهار فیت چهار صد ملیون

ملت اسلام و ۷۰۰ میلیون ملت نصاری راجع بحق تملک و حاکمیت اراضی فلسطین و تواریت بیت المقدس (اورشلیم) باستانسابق تصرف و وجود آثار آن از قبیل دیوار ندبه و زاری و باستاند مندرجات تورات که مورد قبول هر دو خواننده‌ها است علاوه باستاند دو کتاب مذهبی که در آن سابقه تصرف و اقامت ملت یهود ضمن آیاتی ذکر شده و کوه سینا و کوه طور و صحرای تبه و رود اردن و دریای مرده همه شاهد و گواه صحت دعوی است .

و دفاع نماینده ملت نصاری باینکه ملت یهود در می هستند سرسخت و لجوج و بکتاب آسمانی خود که خیر از ظهور پیغمبر نصاری داده و آنان بدان عمل نکرده سهل است به فرستاده خدا تهمت‌ها زدند ، آزارها رسانیدند و عاقبت هم اورا با کمال بیگناهی و تنها به گناه آنکه گفت : دست از پول پرستی بردارید و طبق شریعت پیغمبر خود عمل کنید اورا بدار زدند در حالیکه او هم برای تکمیل آن دین و راهنمایی آنها براه راست از طرف خداوند برانگیخته شده بود که آنانرا به پیروی از تعلیمات خود دعوت نماید و ابدان پذیرفتند و در گمراهی باقی ماندند ..

و دفاع نماینده ملت اسلام باینکه طایفه یهود عمل به تورات کتاب آسمانی خود نکرده و شریعت نصاری را پذیرفتند و با کمال لجاجت و سرسختی و قساوت با پیغمبر نصاری و پیروان او رفتار کرده و باو تهمت‌ها زدند در صورتیکه آن بزرگوار از طرف خدا مبعوث به پیغمبری شده و پدر او روح خداوند و کلمه طیبیه و اراده خداوندی است که توسط جبرئیل اعلام شده و مادرش مریم عقیقترین زنان دنیا است و پاک و مقدس است .

با وجود این بخیال خود اورا بدار آویختند در صورتیکه امر بر آنها مشبیه شد و فرستاده خدا به آسمان صعود کرد و ملت او آنروز را عید میگیرند و شاد و بیامیکنند !

علاوه نشانه محل تولد پیغمبر نصاری و آثار او در ناصره و بیت المقدس همه موجود است که نماینده ملت نصاری از فرط محجربیت و رعایت اختصار این قسمت را متذکر نشد ولی چون با هم شریک دعوی هستیم با آنها اشاره ای کردیم ! و بموجب کتاب آسمانی که در دست داریم و خود داد گاه گواه صحت و درستی آن است و جبرئیل که اینجا حاضر است حامل آن کتاب از مصدر جلال خداوند بوده و شبی که پیغمبر اسلام با مر خداوند از مسجد الحرام در مکه بمسجد اقصی در فلسطین رفت و از آنجا با آسمان صعود و بمعراج نائل شد و این مسجد هنوز در آنجا موجود و محل پرستش میلیونها ملت اسلام است !

و با آنکه اسلام از خون ریزی و جدال تا ممکن باشد احتراز دارد ولی در صورتیکه در راه حق و یا حفظ جان و مال و ناموس پیروان اسلام و هم کیشان خود باشد اجازه جنگ و دفاع بمسلمانان می‌دهد . چنانکه در آغاز ظهور اسلام هر جا با طایفه نصرانی برخوردند یا آنها تسلیم شده و اسلام آوردند یا مالیاتی داده و در امان ماندند !..

اما ملت سرسخت و لجوج و متصب یهود مقاومت کردند نه مسلمان شدند و نه (چون پول پرست بودند) بدادن مالیات تن در دادند ! علاوه چندبار بابت پرستان قصد کشتن پیغمبر مسلمانان کردند و چون قدرت نیافتند یکبار توسط زن یهودی خواستند اورا مسموم کنند که حضرت متوجه شده و آبگوشتم زده را نخوردند و سرانجام بناچار جنگ کرده و قوم یهود را مغلوب و بزرگترین مرکز جنگی آنان یعنی قلعه خیبر را بدلاوری و زورمندی علی (ع) داماد و پسر عم پیغمبر گشودند در این صورت و با این سابقه و رفتار و کردار ملت یهود آیا آنان میتوانند چنین ادعائی بکنند و درخواست رد دعوی را دارد !

و دفاع نماینده ملت یهود بخلاصه آنکه بر فرض دفاع دو نفر خواننده‌ها درست باشد چون در محضر عدل الهی نمیتوان خلاف واقع گفت بنابراین من معتمد که دین نصاری و اسلام هم مانند دین یهود بر خدا پرستی است و اگر جز این بگویم می‌بینم که جبرئیل و اسرافیل از گوشه چشم بمن نگاه

تهدید آ میز میکنند و البته پیغمبر یهود هم که هم سخن با خدا بوده و او امر او را اجرا کرده تصدیق دارد که هر سه ملت خدا پرست و دین دار هستند و اساس عقیده هر سه یکی است و آن ایمان بخدای یگانه و اعتقاد به ثواب و عقاب و بقا و روح در عالم پس از مرگ و اینکه در این دنیا هر کس کار خوب بکند سزای خوب بیند و هر کس بد کند جزای بد خواهد دید !!

لیکن در عین حال آیا سزاوار است که ملت یهود از سه هزار سال باینطرف در روی این کره محقر خاک پیوسته خانه بدوش و ویلان و سرگردان باشد و البته چون چاره ندارد برای آنکه اسلحه برنده در مقابل ملت های اکثریت داشته باشد دنبال پول یعنی حلال مشکلات دنیائی رفته و در نتیجه عقل اقتصادی دنیا را بخود نیاز کرده تا آنها از همین نظر از ملت یهود ملاحظه کرده و کمتر به آنان آزار رسانند ! مخصوصاً برای آنکه ملت نصاری و اسلام اهمیت ماده پرستی را به قوم یهود نزنند یادآور میشوم که در میان این طایفه علما و فلاسفه و دانشمندان بزرگ و محترمین و کاشفین بزرگ پیدا شده و میشوند و البته با اراده و خواست خداوند عده بسیاری از آنان دنبال تحصیل علم رفتند که سرآمد امثال و اقران خود شدند. چنانکه شماره آنها در قرن های اخیر در لهستان و آلمان و فرانسه و امریکا بسیار و سرشناس هستند !

هر چند در سال های اخیر هیتلر مفرور و خود خواه و خود پسند قساوتها کرده و خواست قوم بنی اسرائیل را از میان بردارد و نابود کند و اموال آنها را بگارت برد لیکن خدا نخواست و چنین اجازه ای نداد و سر انجام این مرد جاه پرست توسط امریکای متفقین او مغلوب و منکوب و نابود گردید و در نتیجه قوم یهود آزاد شده و با کومک انگلیس و امریکا نوع خواهی آنان که در دو جنگ وعده استقلال بملت یهود داده بودند ماموق شدیم بر زمین اصلی خود باز گردیم و در خاتمه از پیشگاه عدل الهی درخواست صلح عادلانه و صدور حکم مقتضی را بنام ملت بنی اسرائیل دارد !...

دادگاه پس از شنیدن عقیده دادستان بخلایفه آنکه : چون فلسطین نزد هر سه قوم محترم و محل پرستشگاه خدای یگانه برای هر سه ملت است و نظر با آنکه اکثریت تام ساکنین آنجا مسلمانان بوده هستند و از طرفی یهودیان ساکن آنجا هم حق سکونت و زندگی در خانه خود دارند بنابراین نظر دادستان باید تصرفات در یک را که اخیراً غصب کرده اند بصاحبان آنها برگرداند و یهودیان سابق و لاحق هم با رضایت مسلمانان در آنجا زیست و زندگی کنند ...» بشرح زیر حکم صادر کرد :

نظر باینکه خود ما از جریان این دعوی ها و سابقه آن آگاهی کامل داریم و مکرر توسط فرشتگان دستور تنبیه و توجه به هر سه ملت را داده ایم و چند بار در سه کتاب مقدس بهمه آنها گوشزد کرده ایم که غرض از آفرینش بندگان ما تکمیل نفس و تهذیب خلق و خوب و بسط صلح و آسایش و عدالت و متصف شدن بصفت ما است لیکن اغلب آنان از روی هوی و هوس پیرو شیطان رانده در گاه ما شدند و چون ما تار و قیامت بشیطان ملعون مهلت داده ایم این است که بندگان خدا نشناسان دنبال شیطان رفته و از او پیروی کرده و میکنند و در نتیجه نسبت بما نافرمانی کرده و به بندگان مخلص ما ستم روا داشته و خلاصه همه آنها گناهکار شدند ما هم عفریت جنگ را بر آنها مسلط کردیم و بدرجه ای آنها را کیفر عمل دادیم که صدای عزرائیل بلند شد و کومک خواست چون از عهده گرفتن جان آنان بر نیامد ما هم به اتم اجازه دادیم که متفجر شود و بر اثر آن جنگ بزرگ تمام شد لیکن بواسطه فساد طینت و طبیعت بجای تنبیه و پشیمانی و توبه باز هم جنگ سرد آغاز کرده و بجان هم افتادند و هنوز که هنوز است بندگان ما را آسوده نمیگذارند و این بار اگر دریای خشم ما بجوش آید با اشاره به اتم و انفجار او بوسیله بمبهای (تیدرژنی) که زمین را متلاشی و مردم آنرا ترو خشک با تیش آن میسوزانیم . لیکن چون اراده ما هنوز به پیدایش روز رستاخیز تعلق نگرفته و همواره صفت رحم و عطف ما بر غضب و انتقام ما غلبه و

سهبت دارد بنابراین در موضوع اختلاف این ملیت ها چنین حکم میکنیم که :

شهر بیت المقدس زیارت گاه آزاد هر سه ملت باشد که بدون هیچ مانعی به عبادت مشغول شوند و اراضی فلسطین آن قسمت که از سابق یهودان ساکن بوده اند در تصرف آنان باقی باشد و آنچه که از دیگران بزور گرفته و غضب کرده اند بصاحبان اصلی آن مسترد دارند و پناهندگان مسلمان بخانه های خود باز کردند و مهاجرین یهود هم بارضایت صاحبان املاک و خانه ها یکسب و کار خود ادامه دهند و برای تضمین سعادت هر سه ملت کارها را برضایت هم برادروار آغاز و آنچه زمین برای زندگی و عمران مهاجرین بخواهند بارضایت مالکین خریداری و حدود و ثغور خانه خود را تعیین و بامضای هر دو طرف برسانند و از خشم ما ترسیده و بر حذر باشند مبادا اعمال گذشته را تکرار کنند ..»

### جهود و مسلمان

یکی جهود و مسلمان نزاع میکردند چنان که خنده گرفت از نزاع ایشان .  
بطیره گفت مسلمان: گر این قباله من درست نیست خدا یا جهود میرانم !  
جهود گفت: بتورات میخورم سوگند (۱) و گر خلاف کنم همچو تو مسلمانم !  
گراز بیست زمین عقل منعدم کرد بخود گمان نبرد هیچ کس که نادانم .

۱ - تورات را در عربی و بعضی در فارسی اینطور (توریه) مینویسند ، ولی من به فارسی بشیوه خودم نوشتم یعنی همانگونه که تلفظ میکنیم . (د.ا.)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### گر به ، در نظر سعدی

گر به شیر است در گرقن موش لیک موش است در مصاف پلنگ!  
گر به مسکین اگر برداشتی تخم کجشک از جهان برداشتی.  
ندیدی که چون گر به عاجز شود بر آرد بچنگال چشم پلنگ.

### از « موش و گر به » عبید زاکانی

دو بدین چنگ و دو بدان چنگال يك بدنان چو شیر فرانا ...  
این زمان پنج پنج میگرد که شده عابد و مسلمانا !



## مسابقه زیبایی گربه‌ها در پاریس



همانگونه که سالهاست مسابقه‌هایی برای برگزیدن زیباترین زن هر کشور و بالاخره ملکه زیبایی جهان ترتیب داده‌اند مسابقه‌هایی هم برای انتخاب زیباترین گربه رسم شده و سال گذشته موفقیتی نگارنده در پاریس بودم در مهمانخانه کنتینانتال چهارصد گربه زیبا از کشورهای مختلف ایران ، برمه ، سیام و غیره مسابقه دادند ، گربه‌های ایران که در خوشگلی و ملوسی شهره آفاق هستند گوی زیبایی را از دیگر گربه‌ها می‌ربودند . این گربه که عکس او را می‌بینید یکی از آنهاست که خود من توفیق دیدار او را یافته‌ام و راستی که بی‌اندازه دلربا بود . با وجود این مقاله آقای حجازی را که خواندم دیدم که چه باحالت و دلپسند گربه می‌زبان خود را با قلم نمکین نقاشی و وصف کرده‌اند .